درباره «هفت دقیقه تا پاییز» ساخته علیرضا امینی

طعم تلخ واقعیت

کامیار کیان

۱- بخش عمده تاثیرگذاری «هفت دقیقه تا پاییز» مرهون نوع رخدادها و اتفاقاتی است که فیلم روایتگر آنهاست. «هفت دقیقه تا پاییز» به طور بی‌رحمانه‌ای تم مصیبت و خیانت را روایت می‌کند. روابط در خانواده «میترا» و «مریم» و اتفاقاتی که حول و حوش آنها رخ می‌دهد، بناست بار نمایش مصیبت و خیانت را توامان بر دوش داشته باشد. جالب اینجاست که به نحوی کنایه‌آمیز میترا و مریم خواهر هستند که به‌نوعی نمایش‌دهنده گره‌خوردگی ذاتی تم مصیبت و خیانت و ارتباط تنگاتنگ این دو با هم است. به همان میزان که خیانت و بی‌وفایی می‌تواند باعث بروز مصیبت و تراژدی شود، وقوع تراژدی و مصیبت می‌تواند رسیدن به مرحله خیانت و بی‌وفایی برای فرار از واقعیت را باعث شود. میترا (هدیه تهرانی) از ازدواج قبلی‌اش صاحب دختری شده که حالا با او و همسر دومش (محسن تنابنده) زندگی می‌کند و... مریم (خاطره اسدی) قصد جدایی از همسرش (حامد بهداد) را دارد که حالا به دلیل بدهکاری در زندان است. همه چیز از تصمیم مریم برای جدایی از همسرش و انتقال اسباب و اثاثیه‌اش به خانه خواهرش میترا آغاز می‌شود. از همان ابتدا ساز جدایی کوک است، روابط سست است و در حال از هم پاشیدگی. میترا و شوهرش بر سر نوع کار میترا مشکل دارند. مریم و شوهرش بار کج زندگی‌شان را سال‌هاست بر دوش می‌کشند. مصیبت هم از همان ابتدا در جریان است، کارگر همکار شوهر میترا از ارتفاع سقوط کرده و حالا همسر جوانش عزادار است... .

۲ - نوعی فرار از واقعیت در فیلم موج می‌زند. میترا و شوهرش از داستان ملاقات مریم با مردی که باعث به زندان افتادن شوهر مریم شده خبر دارند. حتی خود میترا در چند ملاقات آنها حاضر بوده تا شاید بتواند او را راضی به پرداخت بدهی‌اش به شوهر مریم کند و جالب اینکه میترا و شوهرش و کمی بعد شوهر مریم به این باور رسیده‌اند که این ارتباطات با همان اهدافی بوده که مریم می‌گوید (دریافت بدهی‌ها) ولی چک‌پول‌های داخل کیف مریم موید موضوع دیگری است و همین روال درباره ملاقات زن کارگر تازه فوت شده با شوهر میترا صادق است. اما مساله اینجاست که تمام این رخدادها بشدت در لفافه طرح می‌شوند و کارگردان و فیلمنامه‌نویس تنها اشاره‌ای گذرا به این موضوع می‌کنند. گویا کارگردان هم می‌خواهد از حقیقت فرار کند. این نحوه عملکرد درباره شخصیت‌پردازی میترا، شوهرش و البته شوهر مریم و زن بیوه شده نیز رعایت شده و آنها تمام اطلاعات و اخباری را که از اطراف و اکناف دریافت می‌کنند به سمت رد وقوع خیانت سوق می‌دهند و تلاش دارند همه چیز را سر و سامان ببخشند و... .

۳ - نکته همینجاست؛ میترا نمی‌تواند با واقعیت مرگ دختر خردسالش روبه‌رو شود و واقعیت را تاب نمی‌آورد. او به همراه جسد دخترش به اتاقی پناه می‌برد و خودش را یک شب تا صبح حبس می‌کند و سپس از سر استیصال تصمیم می‌گیرد مراسم تولد «سارا» را طبق برنامه برپا کند. رفتار شوهر مریم پس از ملاقات با دوستش و دریافت اخبار و اطلاعات درباره ارتباط زنش با مردی که باعث به زندان افتادن او شده و تلاشش برای خودکشی که به طرزی دردناک شکست می‌خورد را هم می‌توان واکنشی از جنس واکنش میترا دانست. در «هفت دقیقه تا پاییز» همه چیز به طرز غیرقابل تحملی عیان است ولی هیچ‌یک از شخصیت‌ها تاب پذیرفتن واقعیت را ندارند، پس همه چیز را آن‌طور که دوست دارند، می‌بینند.

۵- برخی سکانس‌های فیلم و پرداخت درست آنها در کنار دور بودنشان از هر نوع ادا و اطوار برای تاثیرگذاری بیشتر را نمی‌توان براحتی فراموش کرد. جدای از سکانس بلند مشاجره مریم و شوهرش مقابل عروسک‌فروشی (خود این انتخاب خالی از کنایه نیست) یا سکانس سانحه رانندگی یا سکانس مواجه شدن پدر سارا با خبر مرگ دخترش و... ۲ سکانس کلیدی و طلایی در فیلم وجود دارد که باید از آنها گفت؛ یکی سکانس دیالوگ میترا با شوهر مریم و تلاشش برای قانع کردن او برای حضور در مراسم تولد سارا و البته تلاشش برای توضیح نحوه ارتباط مریم با مردی که باعث به زندان افتادن او شده که به ظن خودش تمام واقعیت است و... که با بازی دوست‌داشتنی حامد بهداد و هدیه تهرانی در نقشی متفاوت با آنچه پیش‌تر از او سراغ داشتیم (به استثنای چهارشنبه‌سوری) و البته جامپ‌کات‌های درست تدوینگر فیلم، نمایش‌دهنده تلاش میترا برای همسو کردن شوهر مریم با واقعیتی خود ساخته است مبنی بر عدم پذیرش مرگ سارا و البته قانع کردن او به وفاداری مریم... و البته تلخ‌تر از آن سکانس برگزاری تولد برای سارا و خاموش کردن شمع تولد او توسط مادرش میترا و... .

۶- «هفت دقیقه تا پاییز» فیلم تلخی است اما برخلاف بسیاری از تجربه‌های سینمایی که کارگردان در تلاش است بیچارگی و مصیبت شخصیت‌های فیلمش را با انواع و اقسام تکنیک‌های بصری و حادثه‌سازی‌های گل‌درشت به رخ بکشد و تماشاگر را تحت تاثیر قرار دهد و... تنابنده و امینی در دومین تجربه کاری مشترکشان (به عنوان فیلمنامه‌نویس) به درک فضایی رسیده‌اند که همان تلخی بی‌حد و حصر تنیده شده در واقعیت است؛ تلخی روبه‌رو شدن با هرآنچه خواسته یا ناخواسته با آن روبه‌رو می‌شویم و البته تلخی ناتوانی از پذیرش امور بشدت واقعی و... .

مروری بر بیست‌وهشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر

«جشن» واره‌ای که بود

محمد صابری

از همان آغاز قرار بر «ریل‌گذاری» بود؛ اقدامی در راستای اصلاح سمت‌وسوی حرکت قطار سینمای ایران. تکیه‌زدگان امروز بر مسند هدایت سینما، همان منتقدان دیروزند که مصرانه نه حرکت اشتباه و مقطعی، که اصل جهت‌گیری‌های متولیان دیروز را به نقد می‌کشیدند و ریل‌گذاری سینما را به سمت قهقرا و ناکجا آباد تحلیل می‌کردند. حال تاحدودی می‌توان اتودهای ابتدایی این نقشه راه را پس از جشنواره بیست‌وهشتم به قضاوت نشست؛ جشنواره‌ای که اگرنه تمام محتوا و حاصلش بر آمده از فعالیت چند ماهه سیاستگذاران تازه اما خروجی‌اش با افتخار موردپسند و دفاع ایشان بود. جواد شمقدری، سیدعلیرضا سجادپور، احمد میرعلایی و مهدی مسعودشاهی مدیران تازه سینمای ایرانند که نخستین جشنواره کارنامه خود را با تغییراتی قابل توجه نسبت به دوره‌های قبل ثبت کردند؛ تغییراتی که رأی قطعی درباره خوب و بدشان نیاز به اندکی زمان بیشتر دارد.

جشنواره بیست‌وهشتم فیلم فجر از همان روزهای نخست فعالیت دبیرخانه و با استقرار دفتر در جایی متفاوت از ساختمان سنتی بنیاد فارابی (در ساختمان اصلی وزارت فرهنگ و ارشاد) تفاوت اصلی خود را نسبت به دوره‌های قبل به رخ کشید. این نخستین دوره جشنواره بود که تحت مدیریت و سازماندهی «سازمان جشنواره فیلم فجر» برگزار می‌شد و بدون اسپانسر غیرسینمایی، تنها نشان بنیاد سینمایی فارابی را به‌عنوان حامی مالی در پوسترهای خود ثبت کرد. انتصاب نخستین دبیر غیرمدیرعامل فارابی هم به این تغییرات سر و شکلی جدی‌تر داد تا «مستقل‌ترین» جشنواره فیلم فجر در کتابچه برگزاری این رویداد بزرگ سینمایی ثبت شود.

□ دبیر جشنواره؛ آرام، حاضر، موثر

اگر در موعد اعلام معرفی «مهدی مسعودشاهی» به‌عنوان نخستین دبیر غیرمدیرعامل جشنواره فیلم فجر برای بسیاری از اهالی رسانه غریب و دور از ذهن می‌نمود اما امروز و با پایان بیست و هشتمین دوره جشنواره فیلم فجر می‌توان براحتی نمره قبولی به این انتخاب داد. البته این نه به‌معنای برگزاری بی‌عیب و نقص جشنواره است (در ادامه همین مطلب به برخی کمبودها اشاره خواهد شد)، که اشاره به این واقعیت دارد که این نقایص، حاصل ریسک‌پذیری و نگاه باز دبیر جشنواره بوده که ترجیح را بر بسترسازی برای بازنمایی ظرفیت‌ها با پیش فرض تحمل هزینه‌های احتمالی دانسته است. تحمل انتقادها و اصرار بر برگزاری متمرکز جشنواره در برج میلاد و ایجاد فضایی باز برای نمایش فیلم‌های توقیفی پس از چند سال انتظار، ۲ نمونه از اصلی‌ترین تصمیمات مسعودشاهی بود که انتقادات بسیاری به همراه داشت، کارنامه کلی جشنواره را از نگاه برخی ناظران دچار نقصان‌هایی کرد و البته در مجموع قابل تقدیر بود. اما نمی‌توان از تفاوت‌ها و امتیازات این نخستین دبیر «غیرمدیرعامل» جشنواره فیلم فجر گفت و از حضور مستمر، همراه با آرامش و در برخی صحنه‌ها تأثیرگذار مسعودشاهی در میان اهالی رسانه نگفت. دبیرجشنواره امسال فارغ از دیسیپلین مدیریتی معمول دبیران گذشته در میان اهالی رسانه شنونده نظرات بود، به گپ و گفت می‌ایستاد و کم‌وزیاد جشنواره را از نزدیک رصد می‌کرد و این شاید اصلی‌ترین امتیاز فراغت از دلمشغولی‌های مدیریت بنیاد فارابی برای یک دبیر باشد. از نمونه حضورهای موثر مسعودشاهی می‌توان به حضور بموقع او در نشست پرحاشیه فیلم «زم‌هریر» اشاره کرد که اندکی پس از نیمه شب باعث بازگشت آرامش به سالن نشست‌های خبری جشنواره شد.

□ کاخ جشنواره؛ دشوار می‌نمود اول ولی...

برگزاری متمرکز بخش‌های اصلی و فرعی جشنواره فیلم فجر در برج میلاد هم از آن اخباری بود که پیش از برگزاری جشنواره نظرهای مثبت و منفی بسیاری را برانگیخت و حتی کار را به جایی رساند که چند خبرنگار در نشست خبری دبیر جشنواره، امیدوار به تغییر، خواستار لغو این تصمیم شدند. البته این اصرار و خواست که بی‌شک خواست غالب اهالی رسانه بود، بی‌نتیجه ماند. با تأکید دبیر بر تجربه کردن این مکان تازه، سرانجام طرح اجرایی شد و چند روز پس از آغاز جشنواره اعتراضات روزهای نخست را فرونشاند. برج میلاد کم‌کم به مکانی مقبول برای کاخ جشنواره تبدیل شد و با پایان جشنواره هم دیگر کسی متعرض سخنان علیرضا سجادپور نشد که اعلام کرد: «سال آینده هم جشنواره در برج میلاد برگزار خواهد شد».

□ نشست‌های خبری؛ همچنان نامطلوب

محسنات تغییر مکان برگزاری جشنواره چندان شامل حال محل برگزاری نشست‌های نقد و بررسی فیلم‌ها نشد و این نشست‌ها به نسبت دوره‌های قبل، در مکانی نامناسب برگزار شد. از لحاظ کیفی هم اگرچه چک کردن کارت‌ها در ورودی سالن به برنامه‌ها افزوده شده بود اما تغییر چندانی مشاهده نشد و این نشست‌ها همچنان سرد و بی‌ثمر بود. نفس برگزاری نشست که زمانی به‌منظور نقد و بررسی فیلم‌ها با حضور منتقدان و اهالی رسانه در نظر گرفته شده بود کم‌کم ماهیت خود را از دست داده و در این دوره هم چون دوره‌های گذشته صرفاً به موعدی مغتنم برای عکاسان تبدیل شد تا فرصت ثبت تصویر عوامل تولید هر فیلم را به دست آورند. این معضل که در واپسین نشست رسانه‌ای دبیر جشنواره هم دقایقی به بحث رودرروی دبیر با چند تن از خبرنگاران بدل شد، البته راهکاری یک جانبه ندارد و همانگونه که دبیر و مدیر روابط عمومی جشنواره هم تأکید داشتند رفع بخشی از آن به اهالی رسانه بازمی‌گردد. در مجموع آنچه از نشست‌ها انتظار می‌رود چیزی جز این است. اگر منتقدان، امروز از حضور در نشست و مواجهه با عوامل فیلم روبرگردانده‌اند، باید آستانه تحمل عوامل تولید و فیلترگذاری در طرح سوالات از سوی مسؤولان جشنواره در دوره‌های گذشته را آسیب‌شناسی کرد و اگر مسؤولان جشنواره امروز همراه با اهالی رسانه از سطح پایین سوالات طرح شده در نشست‌ها گله‌مندند، این منتقدان و چهره‌های شاخص رسانه هستند که باید پاسخگوی غیبت خود و عدم جهت‌دهی صحیح به جریان کلی سوالات باشند. جشنواره بیست و هشتم در این نمونه هم‌تراز با دوره‌های گذشته و با فاصله بسیار از نقطه مطلوب ظاهر شد.

□ فیلم‌ها؛ خوب، بد، زشت

صحبت از تأثیرگذاری نشست‌های رسانه‌ای در جشنواره بیست‌وهشتم بی‌اختیار ذهن شنونده را به سمت نشست پرحاشیه فیلم «زم‌هریر» سوق می‌دهد؛ نشست خبری‌ای که تا پاسی از شب اهالی رسانه را در برج میلاد نگه‌داشت تا شاهد متفاوت‌ترین اعتراضات نسبت به یکی از تأسف‌بارترین تولیدات سال گذشته سینمای ایران باشند. کیفیت برگزاری این نشست (که باید پذیرفت بهترین نمونه برای برگزاری یک نشست رسانه‌ای مطلوب در جشنواره فیلم فجر بود) در این مقال نمی‌گنجد اما همین بهانه‌ای برای ورود به اصلی‌ترین محور داوری درباره یک جشنواره است و آن کیفیت آثار حاضر در آن است. در اینکه امسال فیلم‌های قابل توجه و امیدوارکننده‌ای در جشنواره حاضر بودند که تماشایشان لذت‌بخش و حتی در مواردی تکان‌دهنده بود، جای تردید نیست اما بهتر که اندکی فاصله بگیریم و بعد به چینش این آثار در جغرافیای جشنواره که به تعبیر دبیر جشنواره شب قدر سینمای ایران است، بپردازیم. حضور فیلم‌های خارج شده از توقیف مانند «به‌رنگ ارغوان»، «تسویه حساب»، «آتشکار»، «صدسال به این سال‌ها»، «مقلد شیطان» و... را نمی‌توان به‌پای ماحصل امسال سینمای ایران در جشنواره گذاشت و ضعف و قوت‌شان را به ضعف و قوت جشنواره فجر (که هر سال نمایانگر ماحصل یکساله سینمای ایران است) تعبیر کرد اما حضور این آثار مهم‌ترین امتیاز را برای جشنواره به همراه داشت تا منتقدان و اهالی رسانه بی‌واسطه با این آثار مواجه شوند و اگر نیاز به تعدیل یا حتی حذف یکی از آثار از جدول اکران است این در تبادل نظر با سینماگران و اهالی رسانه صورت گیرد، نه در خفا و پشت درهای بسته. درباره این نکته که نمایش برخی از این تولیدات (که بهترین نمونه آن همین «زم‌هریر» است) تا چه حد جو عمومی جشنواره را تحت‌الشعاع قرار داد و حتی تیغ انتقاد تند برخی رسانه‌ها را حواله کلیت جشنواره کرد هم باید فرصتی برای بحثی مفصل‌تر فراهم آید تا به این دوستان رسانه یادآور شویم، نمایش یک فیلم در جشنواره الزاماً به معنی تأیید صددرصدی آن از سوی برگزارکنندگان نیست بلکه نشان دهنده حسن نیت ایشان در فراهم آوردن فرصت بحث و تبادل نظر درباره این تولیدات است. در کنار این نکته اما نقاط سوال‌برانگیز در فهرست بخش‌های اصلی جشنواره کم نبود، چه درباره آثاری که با وجود کیفیت مطلوب (مانند فیلم‌های «دموکراسی تو روز روشن»، «برخورد خیلی نزدیک» و «شکلات داغ») یا حتی کیفیت بسیار بالا (مانند «حوالی اتوبان» و «بدرود بغداد») از حضور در بخش مسابقه اصلی بازماندند و چه درباره آثار ضعیفی که متأسفانه در بخش رقابت به نمایش درآمدند(فیلم‌هایی مانند «باغ قرمز»، «کارناوال مرگ» و«آناهیتا»). دقت شود بحث برسر نمایش این آثار برای بحث و تبادل نظر اهالی سینما نکته دیگری است و آنچه جای تأسف دارد تأیید اولیه این تولیدات از سوی هیأت انتخاب برای حضور در رسمی‌ترین رقابت سینمایی کشور است. در غیراین صورت نمایش آثار سطح پایینی چون «زم‌هریر» و «محفل اکس» در بخش‌های غیررقابتی جشنواره اتفاقاً از نکات مثبت این دوره بود که سطح کار برخی از فیلمسازان را به قضاوت اهالی رسانه گذاشت. با تمام اینها نباید از اکران فیلم‌های شاخصی چون «طلا و مس»، «هفت‌دقیقه تا پاییز»، «شب واقعه»، «ملک سلیمان»، «طهران تهران»، «نفوذی»، «کیفر»، «بیداری رویاها»، «چهل‌سالگی»، «پرسه در مه»، «سنگ اول» و... هم براحتی گذشت که این حجم از آثار قابل قبول در یک جشنواره، بهترین دلیل امیدواری برای سال پیش روی سینمای ایران دارد.

□ غیبت بولتن‌های رنگارنگ؛ جای خالی حاشیه

اما یکی از خلأهای قابل توجه جشنواره امسال به نسبت دوره‌های قبل و بویژه دوره بیست و هفتم، نبود ویژه‌نامه‌های مختلف درباره متن و حاشیه جشنواره بود. ویژه‌نامه‌هایی که سال گذشته و در کنار بولتن اصلی جشنواره فضای رقابتی شیرینی را برای مطبوعات و اهالی رسانه فراهم آورده بودند، امسال هر یک به‌دلیلی موفق به انتشار این ویژه‌نامه‌ها نشدند و این فضای حاشیه‌ای جشنواره را بشدت تحت‌تأثیر قرار داده بود. فقط کافی است قیاس کنید دامنه امتداد حاشیه‌های نشست «می‌زاک» در جشنواره گذشته را با حاشیه‌های «زم‌هریر» در این جشنواره که در نهایت به یک روز پس از خود رسید و بزودی به سردی گرایید.

□ مراسم پرحاشیه برای یک جشنواره خوب

با تمام این محسنات و البته کمبودهای حداقلی اما نمی‌توان ۳ مراسم برگزار شده برای تبدیل این گردهمایی سینمایی به یک «جشن» را نادیده گرفت. مراسم افتتاحیه و ۲ مراسم اختتامیه (بخش بین‌المللی و بخش سینمای ایران) جشنواره امسال را بی‌تردید می‌توان پرحاشیه‌ترین مراسم سینمایی برگزار شده این سال‌ها دانست. از افتتاحیه‌ای که با آشفتگی در برنامه‌ریزی به‌صورتی کاملاً یکنواخت و بی‌اتفاق برگزار شد، تا اختتامیه بخش بین‌الملل که با عدم تسلط مجری و برخی بی‌برنامگی‌ها در سطح تعارفات نیمه‌رسمی روی سن باقی‌ماند. اختتامیه بخش سینمای ایران اما گل سرسبد این حاشیه‌ها و بی‌برنامگی‌ها بود که با رفتارهای بی‌تجربه برخی دست‌اندرکاران تلاش‌های ۱۰ روزه دبیرخانه و روابط عمومی جشنواره را کمرنگ کرده و خستگی را بر تن اهالی رسانه باقی گذاشت. ضدگزارشی از آنچه دراین مراسم عجیب گذشت در ذیل همین گزارش درج شده است اما آنچه جای یادآوری دارد همان اصل همیشگی است که فراموش شدنش هر سال اختتامیه جشنواره‌ها بویژه جشنواره فیلم فجر را با حاشیه‌هایی همراه می‌کند؛ اختتامیه یک جشنواره رسمی محل به ثمرنشاندن تلاش‌های جمعی از اهل فن است و با حضور بی‌حد و حصر علاقه‌مندان و مخاطبان عادی (که این درباره سینما شدتی دوچندان می‌یابد) نباید حرمت و جایگاه آن را به یک دور همنشینی خودمانی فروکاست. جشنواره بیست و هشتم با همه خوب و بدهایش به پایان رسید اما نباید فراموش کرد تمام آنچه در جشن آینده توقع برآورده شدنش را داریم از همین امروز قابل برنامه‌ریزی و دستیابی است، نه در ماه‌های پایانی و روزهای منتهی به بیست و نهمین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر.

عکس: وطن‌امروز

بازتاب

پاسخ دبیر و مدیر روابط عمومی جشنواره به اعتراضات مراسم اختتامیه

■ مهدی مسعودشاهی، دبیر جشنواره بین‌المللی فیلم فجر درباره مشکلات به‌وجود آمده برای خبرنگاران در مراسم اختتامیه به اصحاب رسانه پیام داد. در این پیام آمده است: «جشنواره بین‌المللی فیلم فجر آینه تمام‌نما و انعکاس‌دهنده وحدت و وفاق هنرمندان و سینماگران این سرزمین است و حضور اصحاب رسانه گرمابخش و بازتاباننده این رویکرد ملی در تمام این سال‌ها بوده است. حضور مستمر، گرم و متعهدانه شما خبرنگاران و اصحاب جراید گواهی‌دهنده این وفاق و همدلی است. از صبر و متانت همه شما سپاسگزارم و اگر نقصانی پدید آمد بردباری شما پوشاننده آن است. و من‌الله التوفیق».

■ ایل‌بیگی: اطلاع‌رسانی و نقد، هدایت‌گر رویدادهای فرهنگی بوده است

حبیب ایل‌بیگی، مدیر روابط عمومی جشنواره فیلم فجر هم با تجلیل از فعالیت اهل رسانه در جشنواره امسال گفت: جریان اطلاع‌رسانی و نقد و تحلیل همواره مکمل و هدایت‌گر هر رویداد فرهنگی و هنری بوده است. ایل‌بیگی افزود: جشنواره فیلم فجر با توجه به بضاعت خود سعی کرد امکانات لازم برای حضور رسانه را از جمله وسایل ارتباط جمعی، سرویس ایاب و ذهاب، پذیرایی و فضایی برای تعامل اهالی رسانه‌ها با هنرمندان و میهمانان فراهم کند که البته در این میان کاستی‌هایی هم پیش آمد که امیدوارم این عزیزان بر ما خرده نگیرند. ایل‌بیگی در پایان از همه منتقدان، نویسندگان، خبرنگاران، عکاسان، گزارشگران روزنامه‌ها، خبرگزاری‌ها، نشریات تخصصی، نشریات عمومی، سایت‌های سینمایی، شبکه‌ها و برنامه‌های تلویزیونی و شبکه‌ها و برنامه‌های رادیویی که اخبار و اطلاعات بیست و هشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر را پوشش دادند، تقدیر کرد.

نما

ضدگزارشی از حواشی یک اختتامیه فراموش‌نشدنی

سیزده به‌در جشنواره فیلم فجر!

محمدمهدی شیخ‌صراف: ۱- در کارت دعوت مراسم اختتامیه بیست‌وهشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر نوشته: «زمان: چهارشنبه ۱۴ بهمن‌ماه ساعت ۱۸:۳۰، مکان: سالن همایش‌های برج میلاد.» این سالن همایش‌ها همان جایی است که خبرنگاران و اهالی رسانه ۱۰ روز از صبح تا دیروقت در آن حاضر بودند برای دیدن فیلم‌ها و شرکت در نشست‌ها و پوشش رسانه‌ای همه‌چیز از مرکز اصلی برگزاری جشنواره و حالا قرار است نتیجه این تلاش ۱۰ روزه را در همین مراسم اختتامیه نظاره‌گر باشند و اخبار و گزارش‌های نهایی را بنویسند و مخابره کنند، اما از همان بدو ورود به محل برگزاری مراسم می‌فهمیم همه چیز متفاوت از روزهای گذشته است. برای نخستین‌بار در این ۱۰ روز شاهد ترافیک عجیب در تنها خیابان منتهی به برج میلاد هستیم. ردیف ماشین‌ها جلوی داربست نخستین ایستگاه نگهبانی متوقف شده و همه‌چیز به‌هم ریخته است. تعداد آدم‌های پیاده هم کم نیست که معلوم نیست معطل چه هستند. علت بی‌نظمی مشخص نیست و هرچه هست سر و صداست و شلوغی. یک عکاس مطبوعاتی مشغول کلنجار رفتن برای ورود است. می‌گویند: «اسمتان در لیست نیست»، راهش نمی‌دهند و عصبانی می‌شود. عده‌ای هم با دیدن آن وضع بی‌خیال اختتامیه شده‌اند و دنبال راهی برای بازگشت می‌گردند. در میان آنها چند چهره سینمایی هم دیده می‌شود. توی دلم خدا خدا می‌کنم که کاندیداهای سیمرغ نباشند! به هزار زحمت خودمان را به سالن می‌رسانیم. با کمال تعجب می‌بینیم جلوی ورودی سالن کارت‌ها دیده نمی‌شود، یعنی هر کس توانسته از بلبشوی سر خیابان بگذرد، می‌تواند در مراسم حاضر باشد!

۲- در کارت دعوت مراسم اختتامیه بیست و هشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر نوشته: «این کارت ویژه یک نفر است. لطفا از آوردن همراه خودداری فرمایید.» این کارت همان کارت دعوتی است که روز قبل از مراسم برای دادن آن به رسانه‌ها خست فراوان به خرج داده شد تا بسیاری از مطبوعات و پایگاه‌های خبری از آن بی‌بهره باشند و به روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها حداکثر یک خبرنگار و عکاس سهمیه داده شد. این سختگیری قبل از مراسم معقول و منطقی جلوه می‌نمود. بالاخره باید برای مهم‌ترین مراسم سالانه سینمای ایران این قبیل سختگیری‌ها باشد تا هرکس از راه رسیده به آن راهی نداشته باشد و سطح مراسم به سمت تخصصی شدن برود تا تنها اهالی درجه اول مرتبط با هنر سینما در آن حضور داشته باشند و در نتیجه آن، شأن مراسم هم بالا باشد، اما با رسیدن زمان مراسم در عمل خلاف تمام این فکرها ثابت می‌شود. بازهم بیش از ظرفیت سالن میهمان دعوت شده. هیچ‌کس برای راهنمایی این جمعیت وجود ندارد. درهای سالن بسته است و هیچ‌کس نمی‌داند باید چه کند؟ بعد از مراسم می‌فهمیم که قرار بوده برای میهمان‌ها ردیف و شماره صندلی صادر کنند. ساعت نزدیک به ۷ است که با هجوم جمعیت در ورودی سالن اصلی که معلوم نیست برای چه بسته مانده روی همه باز می‌شود و بلبشوی جلوی در به داخل سالن راه می‌یابد.

دبیر جشنواره در میان خبرنگاران معترض

۳- برای یافتن صندلی خالی کشاکشی در سالن به پا می‌شود. به دنبال جایگاه خبرنگاران می‌گردیم. چنین چیزی وجود خارجی ندارد! انگار ما را یادشان رفته است. هر کس زودتر رسیده برای ۵، ۶ نفر جا گرفته! فضا کاملا خانوادگی است. مادری را می‌بینم که زودتر آمده و برای پدر و فرزند و عروسش جا گرفته است. یک خانواده دیگر صندلی فرزند ۴ـ۳ ساله‌شان را به هیچ کس نمی‌دهند. فقط صدای گریه نوزاد کم است که آن هم در سالن می‌پیچد! کم نیست تعداد این اهالی سینمای زیر ۵ سال!

۴- بالاخره جایی برای نشستن می‌یابیم. عکاس‌ها جلوی سن تجمع کرده‌اند. بچه‌های همکار را می‌بینم که نمی‌دانند چه کنند. می‌گویند وقتی سراغ جایشان را گرفته‌اند برخوردها خوب نبوده است. ظرف چند ثانیه تمام ردیف‌ها پر می‌شود. جمعیت سرگردان بالکن را هم پر می‌کند؛ راه‌پله‌ها هم همینطور. بسیاری هم ایستاده کار را دنبال می‌کنند. اوضاع جور دیگری است؛ انگار که آمده باشی به شهربازی. چیزی شبیه به یک مراسم عروسی یا سیزده به در! ۲دختر جوان بسته‌های چیپس را از کیفشان درمی‌آورند! خانمی که کنارمان نشسته سیب پوست می‌کند و به ما تعارف می‌کند! همه منتظر آغاز برنامه هستند! یک لحظه شک می‌کنم! واقعا اینجا مراسم اختتامیه جشنواره فیلم فجر است؟

۵- علی معلم اجرای مراسم را تازه شروع کرده که خبر می‌رسد بچه‌های رسانه بیرون تجمع کرده‌اند. می‌رویم بیرون. آرام‌آرام جمع‌مان جمع می‌شود. عکاس‌ها هم می‌آیند. خبر این اعتراض و تجمع را همه مخابره می‌کنند. برنامه اما ادامه دارد. دبیر جشنواره می‌آید. متواضعانه از حضورمان تشکر و عذرخواهی می‌کند. جز عذرخواهی کاری از دست او ساخته نیست. مسؤول روابط عمومی هم همینطور. برنامه را از راهروی بیرون و مانیتور پخش زنده دنبال می‌کنیم. حاتمی‌کیا که سیمرغ را می‌گیرد همانجا برایش دست می‌زنیم. حاتمی‌کیا روی سن می‌گوید: «به ما اعتماد کنید.» و من به تیتر یک فردا فکر می‌کنم.

«ورود آقایان ممنوع» فروردین ۸۹ کلید می‌خورد

مهر: فیلمبرداری «ورود آقایان ممنوع» به کارگردانی رامبد جوان در روزهای ابتدایی سال آینده آغاز می‌شود. سومین فیلم بلند سینمایی رامبد جوان هم‌اکنون در مرحله پیش‌تولید قرار دارد و تاکنون حضور رضا عطاران به عنوان بازیگر در این پروژه قطعی شده است و داوود امیری نیز به عنوان مدیر فیلمبرداری در این پروژه حضور دارد.

◆◆◆

نمایش «حقیقت ابدی» روی صحنه

وطن امروز: نمایش «حقیقت ابدی» به کارگردانی بهناز امینی و از تولیدات حوزه هنری استان تهران به مناسبت فرارسیدن ایام سوگواری اربعین و ۲۸ صفر، تا ۲۶ بهمن‌ماه در فرهنگسرای خاتم اجرا می‌شود. این نمایش عاشورایی با بازی شاهین اعلایی‌نژاد و کیانا اطهری‌نژاد، داستان زنی زرتشتی و مردی یهودی را روایت می‌کند که در زمان عاشورا و قیام امام حسین (ع) با دیدن و شنیدن وقایع عاشورا رشادت‌ها و مهربانی‌های خاندان اهل‌بیت (ع) مسلمان می‌شوند و عهد می‌کنند با بازسازی این وقایع، پرده از ظلم و ستم دستگاه حکومتی یزید بردارند.

◆◆◆

فیلمبرداری «بیداری» ادامه می‌یابد

مهر: فیلمبرداری صحنه‌های باقی‌مانده از فیلم سینمایی «بیداری» به کارگردانی فرزاد مؤتمن که تولید آن زمستان ۸۷ آغاز شده، اسفند۸۸ در تهران انجام می‌شود. مؤتمن گفت: فیلمبرداری چند سکانس از فیلم سینمایی «بیداری» باقی‌مانده‌است. در این سکانس‌ها نیکی کریمی و شقایق فراهانی در لوکیشن‌هایی در تهران مقابل دوربین می‌روند.

◆◆◆

بررسی آرای فارابی درباره موسیقی

مهر: همایش «فارابی، از دیدگاه موسیقی» با حضور گروهی از پژوهشگران موسیقی ایران از جمله عبدالله انوار، مجید کیانی و میثمی، شهریورماه سال ۱۳۸۹ در فرهنگستان هنر برگزار خواهد شد. علی‌اصغر بیانی، دبیر علمی همایش فارابی از دیدگاه موسیقی درباره برگزاری این همایش گفت: دبیرخانه همایش فارابی، فراخوانی برای دریافت مقالات ارائه داده است که تا به حال چندین مقاله به دبیرخانه این همایش ارسال شده است؛ عموم مقالات ارسال شده از سوی محققان داخلی ارائه شده است. علاقه‌مندان می‌توانند، خلاصه مقالات خود را تا پایان بهمن ۱۳۸۸ به دبیرخانه این همایش ارسال کنند.

◆◆◆

«پرستو در قاف» دوباره به بازار کتاب آمد

مهر: چاپ دوم کتاب «پرستو در قاف» نوشته علیرضا قزوه از سوی مرکز آفرینش‌های انتشارات سوره مهر منتشر شد. این کتاب سفرنامه حج قزوه است که بخشی از آن در کتاب فارسی اول دبیرستان نیز آمده است و سال‌هاست که دانش‌آموزان با آن آشنایند. چاپ نخست این سفرنامه که سال‌ها پیش تمام شده بعد از سال‌ها با تجدید نظر به دست چاپ سپرده شده است.

◆◆◆

فنائیان «همه بچه‌های ما» را بهار ۸۹ کلید می‌زند

مهر: مجموعه تلویزیونی «همه بچه‌های ما» به کارگردانی تاجبخش فنائیان اردیبهشت سال آینده کلید می‌خورد. فنائیان در این‌باره گفت: مدتی است که مشغول نگارش مجموعه تلویزیونی با نام «همه بچه‌های ما» هستم. این مجموعه مسائل اجتماعی روز را مطرح می‌کند و حدود ۴۰ـ۳۰ بازیگر خردسال دارد.

◆◆◆

آیین‌نامه پخش و توزیع کتاب در کشور تدوین می‌شود

مهر: مشاور اجرایی معاونت فرهنگی وزارت ارشاد از تدوین آیین‌نامه پخش و توزیع کتاب در کشور در آینده نزدیک خبر داد. حمیدرضا قبادی در این‌باره گفت: پخش و توزیع کتاب در ایران تاکنون سامان مناسبی نداشته، حال آنکه این بخش یکی از مراحل مهم و اساسی در فرآیند رسیدن کتاب به دست مخاطب است.

◆◆◆

نقد منظومه «حر» معلم به قلم تقی‌دخت منتشر شد

ایسنا: محمدرضا تقی‌دخت که به تازگی نقدی را بر منظومه «حر» علی معلم دامغانی منتشر کرده، به نگارش «روش‌شناسی نقد شعر انقلاب اسلامی» مشغول است. او با اشاره به اینکه از سال‌ها پیش به نگارش «روش‌شناسی نقد شعر انقلاب اسلامی» مشغول بوده است، گفت: تاکنون قریب به ۵۰۰ صفحه از این کتاب تدوین شده است و انتظار می‌رود بزودی بخش‌های باقی‌مانده تدوین و کتاب به چاپ سپرده شود.

◆◆◆

مجموعه «این روزها» رونمایی می‌شود

وطن امروز: مراسم رونمایی از مجموعه ۱۰ جلدی «این روزها» با موضوع دستاوردهای فرهنگی انقلاب اسلامی ایران امروز شنبه ۱۷ بهمن، ساعت ۱۶ توسط سازمان فرهنگی- هنری شهرداری در فرهنگسرای پایداری برگزار می